

تمام عیار است و نوید بخش حضور موفق شعر کلاسیک در عرصه شعر مقاومت.

«شادیه ابوغزاله» نام نخستین زنی است که هنگام آماده سازی بمب در ۲۸ نوامبر سال ۱۹۶۸ در شهر نابلس به شهادت رسید. بعد از او «لیلا خالد»، مجاهد مشهور فلسطینی، نام شادیه ابوغزاله را به عنوان نام تشکیلاتی خود انتخاب کرد و این نام در تاریخ مبارزه زنان در فلسطین ماندگار شد. مرحوم امیری فیروزکوهی قصیده غرابی برای شادیه ابوغزاله سروده است:

آنجا غزاله ای بین، خورشید در حبالش
بام زمین مجالش، شیر برین غزالش
عزمش ز هفت مردان، رزمش به هفت میدان
زان آهنین سمنش، وان آتشین نصالش
آوارگان اسلام، بی یار و بی سرانجام
ما همچنان در آرام، فارغ ز احتیالش
صهیون و صیحه ظلم، فاران و فزه عدل
آن عدل و این دلالتش، وین ظلم و آن ظلالش
اسلام لایزال است، حق است بی زوال است
برهان این مقال است، قرآن لایزالش

زبان دشوار قصیده، که در قالب لغات دشوار و تصاویر کهن خودنمایی می کند، نوع دیگری از همین گرایش به زبان کهن در شعر مقاومت فلسطین را نشان می دهد. می توان گفت شاعران این جریان از شعر فارسی با به کارگیری زبان قصیده سعی داشته اند و قایع مربوط به فلسطین را در شعر خود به شکلی حماسی بازتاب دهند.

+

میان روی در شعر نیمایی

تا اینجا دو طیف از شاعران معاصر را شناختیم که به مسئله فلسطین به عنوان یک دغدغه عمومی توجه کرده اند. نخست جریان روشنفکری با طایفه داری محمد علی سپانلو و دیگر جریان شعر کلاسیک با نمایندگی مرحوم امیری فیروزکوهی و سید علی موسوی گرمارودی. در میانه این طیف شاعر نامدار دیگری پرچم حمایت از فلسطین را در دست گرفته که می تواند نماینده شاعران میانه رو و جریان نئوکلاسیک شعر فارسی به شمار آید. مهرداد اوستا دیگر شاعر جریان ساز و ماندگار معاصر است که توانسته است مسئله قدس را در بستر شعر فارسی متجلی کند. مهرداد اوستا شاعری است که با ابیات درخشانی از جمله:

وفا نکردی و کردم جفا ندیدی و دیدم
شکستی و نشکستم بریدی و نبریدم

یا

از درد سخن گفتن و از درد شنیدن
با مردم بی درد ندانی که چه درد است

در ذهن مخاطب عمومی شعر فارسی ماندگار شده است. همین نمایندگان شعر او نشان می دهند که چه اندازه زبان گیرا و مضمون دقیق و درخشان در شعر اوستا قابل پیگیری است. مهرداد اوستا در شعری نیمایی به مسئله فلسطین توجه کرده است که هر دوی این مولفه ها را دارد؛ یعنی هم زبانی گیرا و هم تعبیری در یادماندنی از او در شعر دیده می شود:

ای اشک هر سور یخته از چشم افسوس
ای پنجه کرده هر دمی با هر چه کایوس
ای خانه متروک غمگین
آه ای فلسطین، ای فلسطین، ای فلسطین ...
یاران پنهان ساز تو سرگرم سودا
با کاروان همراه، اما
هم دست رهن
این سامری کیش
بدکین و بد خواه
این گاوریشان، گوساله کیشان
ای ایزدی خوی، ای ایزدی کیش
وی ایزدی روی

در زیر این سر بر کشیده لوح رنگین
بشکوه ای خاک فلسطین

نگاه اوستا در شعر تنها به بعد عاطفی جریان متمرکز نمی شود، بلکه نوعی نگاه انتقادی در شعر دیده می شود که عدم همراهی دولت های عرب با فلسطینیان و هم پیالگی شان با اسرائیل را مورد توجه قرار می دهد. این نکته شاید از برجسته ترین مسائلی باشد که در آثار شاعران درجه یک فارسی درباره فلسطین دیده می شود. به عبارت دیگر، شاعران صاحب سبک و صاحب اندیشه شعر فارسی تنها به بعد ظاهری و عاطفی مسائل مربوط به فلسطین توجه نکرده اند، بلکه کوشیده اند تا مسئله فلسطین را در ذهن مخاطب ریشه یابی کنند و این نکته است که تفاوت اصلی این شاعران با شاعران سطحی نگر را مشخص می کند. به عبارت دیگر، شاعرانی چون اوستا تنها به بیان مسئله عاطفی فلسطین اکتفا نمی کنند، بلکه تلاش می کنند و جوه مختلف این بحران را در زبانی هنری تحلیل کنند. این نگاه را سال ها بعد مرحوم سید حسن حسینی در شعری که در اعتراض به رفتار حکومت سعودی سروده است نیز بازتاب داده و نشان می دهد که مسئله توافق دولت های اسلامی و عربی با اسرائیل دغدغه اساسی شاعران سردمدار شعر مقاومت در ایران است.

بوسه بر قبر پیمبر ممنوع؟!
بوسه بر پنجه شیطان مشروع؟!
چهره منحوسان آل سعود!
ننگ بر زشتی قاموس شما
دین فروشان هم آواز جهود!
زود باشد که بگیرد ناگاه
شعله در خرمن سالوس شما
گوشتان هست اگر، گوش کنید
بغض شب می ترکد
در سحرگاه قیام
آل اسلام به پامی خیزد
و فرومی میرد

آخرین پت پت فانوس شما!

دیگر نکته جالب توجه درباره ارتباط استاد مهرداد اوستا با مسئله فلسطین به حضور شاعر سرشناس فلسطینی، سمیح القاسم، در مراسم ختم اوستا بازمی گردد.

از جمله دیگر
نمایندگان جریان
روشنفکری شعر
معاصر که مسئله
فلسطین را در شعر
خود بازتاب داده
است می توان به
سیمین بهبهانی
اشاره کرد، غزلی
که بهبهانی در
دیباچه اش تاریخ
جنایت صبراو
شتیلا را نوشته
است و در آن با
دختری یهودی
درددل می کند.